

السلامة
والصحة

نشر

فصلنامه علمی اطلاع رسانی
نشریه داخلی دانش پژوهان فقه و اصول مدرسه علمیه عالی نواب
سال هفتم/شماره هفت و هشت/تابستان و پاییز ۱۳۸۸

ناظر علمی:

حجت الاسلام والمسلمین محمدحسن ربانی (مدیر گروه علمی فقه و اصول مدرسه علمیه عالی نواب)

سر دبیر:

سیدجمال الدین موسوی

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

مهدی حمای

مهدی رحمانی

مصطفی رفسنجانی

مصطفی رنجبر

بلال شاکری

حسین محمد دوست

سیدجمال الدین موسوی

حمید ناصحیان

هادی وحیدی پور

ویرایش، صفحه بندی و طراحی داخلی: گرافیک بین الحرمین
طراح جلد: کانون آگهی و تبلیغات سارنج

مطالب چاپ شده در نشریه الزاماً دیگرگاه نشر نیست.

فهرست مطالب

سختن تحریر ۶

گفتگو

گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین درایتی / سید جمال الدین موسوی ۱۱

مقالات

مادر جانشین و رابطه آن با طفل ۲ / بلال شاکری، هادی وحیدی پور ۲۱

مقایسه بین فهرست شیخ طوسی و نجاشی ۲ / حسین محمد دوست ۳۹

مشروعیت عقود مستحدثه / مصطفی رفسنجانی، یوسف یوسف آبادی ۵۹

جایگاه تقیه در فقه الحدیث / حمید ناصحیان ۸۳

مقاصد الشریعه / حسین محمد دوست ۱۰۹

خاطرات:

خاطره‌ای از مقام معظم رهبری (مدظله العالی) / مهدی رحمانی ساعد ۱۲۹

فقه فتوایی:

حکم جراحی برای جلوگیری از بارداری / مصطفی رنجبر ۱۳۵

شناخت واژه‌های اصولی:

اقسام حکم / بلال شاکری ۱۴۳

حوزه علمیه خراسان:

تاریخچه حوزه مشهد در دوران محمدرضا پهلوی (قسمت اول) / مهدی رحمانی ۱۵۳

اطلاع‌رسانی:

گزارش نشست‌های علمی / حسین محمد دوست ۱۶۹

گزارش کنفرانس‌های علمی / هادی وحیدی پور ۱۸۳

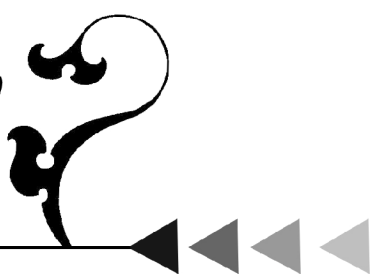
گزارش جلسه پایان‌نامه‌ها / هادی وحیدی پور ۱۸۷

معرفی کتاب / مهدی حمامی ۱۹۳

سیری در مجلات فقهی و اصولی / مصطفی رفسنجانی ۲۰۳

اینترنت و علوم اسلامی / حمید ناصحیان ۲۱۳

سخن
حریر

A decorative flourish with a large loop and a tail that ends in a series of four arrows pointing to the right. The arrows are of increasing size and are shaded from dark to light gray.

فقه و تحول

دانش فقه از جمله دانش هایی است که به لحاظ پیوند خوردن با موقعیت های چندگانه و چندسویه، پیچیدگی خاصی دارد از این رو طبیعی است که باید به فقهی کارآمد اندیشید؛ فقهی با خصلت هایی همچون هدفمندی، کارکردمحوری و پویایی در برخورد با پیچیدگی های زندگی. از راه های رسیدن به این سه، مروری بر گذشته علم است؛ یعنی مطالعه تاریخ تحولات فقه. اگر تاریخ فقه با دقتی افزونتر و پرسشهایی اساسی تر مطالعه شود در بسیاری از فرازهای آن نکته هایی یافت می شود که سهمی مهم در ارتقاء مهارت های فقهی و گسترش آن ایفا می کنند. آنچه مانع از تبدیل این نقاط کوچک ولی مهم به تحولاتی اساسی و تاریخ ساز شده است، عمدتاً آن بوده که نوآوری هایی از این دست، کمتر توسط فقیهان دوره های بعد دنبال شده است. حتی

اگر بگوییم برخی از این موارد توسط فقیهان دوره بعد کنار نهاده شده می‌توانیم بگوییم در اکثر موارد فرصت آن را نیافته‌اند تا از طرح مسأله به صورت جسته و گریخته و غیرمنظم به سطح طرح علمی و همراه با پی‌گیری ارتقاء یابند. هنر مهم و مهارت تحسین برانگیز یک محقق آن است که اولاً این نقاط مهم و اساسی ولی ناپیدا و پنهان فقه را به خوبی پیدا کند و ثانیاً بکوشد تا آنها را فراتر از یک یافته قابل توجه تاریخی به صورت نظام‌مند به فقه امروز وارد سازد. برخلاف بعضی که به نبش قبر مباحث گذشتگان بسنده می‌کنند؛ آنچه امروز مهم است ارائه طرحی نظام‌مند از عمل کرد استنباطی فقیهان در برخورد با مسائل و برجسته کردن نوآوریهای آنها و وارد کردن هر دو در فقه امروز است. برای ورود به این کار آنچه جدی خودنمایی می‌کند استخراج و شناخت مکاتب فقهی است. در این مجال به صورت مختصر به آن پرداخته و کنکاش در ابعاد مختلف آنرا به پژوهشگران واگذار می‌کنیم.

تعریف مکتب فقهی

۱- مجموعه ویژگیهای موجود در طریق استنباط، مبتنی بر مرام استقلال در شیوه استنباط و استدلال، که موجب تحوّل در مباحث اصولی و قواعد فقهی می‌گردد. استقلال در بیان آراء، پرهیز از تقلید، تکامل تدریجی اجتهاد و تأثیر بر فقه‌های دیگر از ویژگیهای یک مکتب فقهی است.

۲- ضوابط، قواعد، رویه‌ها و نگاه‌هایی که فقیه با ابتکار و تفتن خود در عرصه استنباط به کار می‌گیرد و دست کم یکی از سه وضعیت نحوه «چینش ادله»، «نحوه دریافت و برداشت از روایات و نصوص قرآنی» و «ایجاد نوع فضای مطالعات استنباطی» را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نهایتاً در خروجی‌های فقهی او تأثیر می‌گذارند.

با توجه به تعریف دوم اگر فقهی دارای مبانی و یا نگاه‌هایی از این دست باشد و به صورت متعدد (و نه صرفاً در یک مورد و یا دو مورد) بر فقه او تأثیر بگذارد، به نحوی که با ردیابی کردن

بتوان به این قاعده ها و رویه ها و نگاه ها دست یافت، او را باید صاحب یک مکتب فقهی به شمار آورد. در حقیقت، ضوابط و نگاه‌های مکتب ساز، به مثابه روحی قابل مشاهده در فقه فقیه هستند. به طور کلی عوامل بسیاری را می‌توان در ایجاد یک مکتب فقهی جدید مؤثر دید، که به طور خلاصه عوامل زیر را می‌توان بر شمرد :

۱- داشتن سبک و روش فقهی خاص؛ ۲- ایجاد تحوّل در مباحث اصولی و تأسیس یا بسط قواعد اصولی و فقهی؛ ۳- تحولات تاریخی؛ ۴- تکامل تدریجی اجتهاد؛ ۵- تأثیر علوم جدید؛ ۶- تغییر وضعیّت زندگی و ظهور نیازهای جدید؛ ۷- گوناگونی محیط‌های بحث؛ ۸- نبوغ و استعداد فردی مجتهدان و ویژگیهای خاص آنها.

نتایج و پیامدهای مهمی بر یک مکتب فقهی مترتب می‌شود که عبارتند از :

۱- استقلال رأی و پرهیز از تقلید؛ ۲- تأثیرگذاری بر سایر فقها؛ ۳- تحول و تکامل اجتهاد؛ ۴- اختلاف فتوا؛ ۵- تحول در علم اصول و قواعد فقهی.

امروز وظیفه ما این است که از میراث بزرگ گذشتگان به نحو احسن استفاده کنیم و پله‌های پیموده آنها را در طریق بالندگی علم دوباره تکرار نکنیم.

و السلام علیکم و رحمة الله

هادی وحیدی پور